

بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع

علی ربانی^۱/ثریا معمار^۲/علی اکبر جعفری^۳/معصومه حیدری^۴

چکیده

در تاریخ ایران پس از اسلام ظهور سلسله صفویه نقطه عطفی مهم است؛ زیرا که پس از قرن‌ها، ایران توانست با دستیابی مجدد به هویت ملی، به کشوری قدرتمند و مستقل در شرق اسلامی تبدیل شود. در این پژوهش با تلفیق روش تاریخی و اجتماعی به گزارش داده‌هایی از اسناد تاریخی و علمی درباره سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه می‌پردازیم. تحلیل و تفسیر داده‌ها بر اساس نظریه کالینز در کتاب، جامعه‌شناسی فلسفه‌ها: نظریه جهانی تحول تفکر است. این بررسی نشان می‌دهد در دوره صفویه از کلیه مؤسسات سنتی و جدید اعم از مساجد، مدارس و غیره با محتوای متناسب با جهت‌گیری مذهبی استفاده می‌کرده‌اند و این امر توسعه تشیع را در برداشته است. همچنین در این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در دوره صفویه در اصفهان پرداخته شده و تأثیر سازماندهی علمی در بسط و ماندگاری فرهنگ مذهبی در این عصر در اصفهان توضیح و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش، بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع به لحاظ موضوع، پژوهشی کیفی است.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی علم، سازماندهی علم، اصفهان، صفویه، توسعه تشیع

۱ - دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲ - استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۳ - استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۴ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی گرایش شیعه‌شناسی

مقدمه

در تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و مکاتب فکری و فلسفی گوناگون، تعاریف، رویکردها و کارکردهای مشابهی بر آموزش متصور و مترتب است. تعدد و تنوع تعاریف، دیدگاه‌ها و کارکردها از آموزش متأثر و برخاسته از فلسفه اجتماعی، حاکم بر محیطی است که نهاد آموزش در آن محاط است. با وجود این، هر تعریفی که در زمان‌ها و مکان‌ها و جوامع مختلف از آموزش عرضه شود، موضوع اصلی و مشترک همه آنها «انسان»، پدیده‌های اجتماعی و واقعیت‌های محیطی پیرامون حیات اوست. بدین روی آموزش امری است مختص «انسان» که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صورت‌های متفاوتی تعریف و تفسیر می‌شود. کارکرد اصلی آن رشد و شکوفایی انسان، غنای فرهنگی و تکامل اجتماعی است.

ایران کشوری است که مردمان آن از دیرباز به دانش دوستی، علم‌پژوهی و ژرف‌اندیشی شهرت داشته‌اند. نگاهی گذرا به تاریخ فرهنگ و تمدن ایرانی حاکی از آن است که نبردهای خانمان سوز و تخریب‌های گسترده نتوانسته است مانعی در راه علم‌اندوزی ایرانیان ایجاد نماید. ورود اسلام به ایران و پرچمداری فرهنگ اسلامی بر حرکت دانش‌مدارانه مردم این مرز و بوم افزود. به طوری که ایرانیان در دانش‌های زمان خود به سرآمد بودن نزدیک شدند. گرچه عقب‌ماندگی‌های فراگیر در برخی نواحی که جهان اسلام به آن مبتلا شد ایران را هم فرا گرفت اما کشور ما هم چنان نه تنها در داشته‌های بومی خود استوار ماند بلکه به تلاش‌های خود جهت بهره‌برداری از برخی دستاورد‌های تمدن غربی ادامه داد.

تحول علم در اجتماعات در پیوند نزدیک با زمینه‌ها و نیازهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد. به عبارت دیگر برای ظهور و تحول الگوهای معرفتی، به ویژه در حوزه معرفت اجتماعی از نوع تاریخی، سیاسی، تعارضات فرهنگی و نیازهای محسوس اجتماعی، انگیزش‌های موثر برای فرهیختگان و نخبگان جامعه در جهت حل و فصل مسائل، جهش یا نوآوری بوده است. از این دریچه تاریخ تأسیس و تطور علم در جامعه ما دارای ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که از لحاظ تجربی و منطق تاریخی آن می‌تواند مصداق واقعی این موضوع تلقی شود. جامعه ایران مقاطع تاریخی و دوران‌های ویژه‌ای را از لحاظ سیر تاریخی خود تجربه کرده است و با انواع گوناگون فشارها و موانع بیرونی، رنج‌ها، مرارت‌ها، تحولات و فراز و نشیب‌های متعددی در شئون مختلف اخلاقی، فرهنگی و علم‌مواجه بوده است.

پویش علم در ایران نیز مستلزم شناخت و تحلیل کلیه عواملی است که در قالب‌های مختلف سیاسی و فرهنگی قرار می‌گیرد. یکی از شاخص‌های رشد و توسعه علمی در هر

کشور، کمیت و کیفیت آثار علمی تولید شده در آن‌ها و شیوه‌های آموزش و ارزیابی‌های فرایند علمی و علم‌شناسی است که همبستگی نزدیکی به جریان تولید علمی، انباشت دانش، مبادله آن و پشتوانه‌های علمی دارد که باید مورد نقد و بررسی قرار گیرند که این امر وظیفه و رسالت جامعه‌شناسان علم نیز است.

ارتباط ارگانیک «علم» با ابعاد گوناگون ساخت و سازمان جامعه و روند رو به افزایش تأثیرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی علم بر جنبه‌های مختلف زندگی، ضرورت بررسی روابط میان علم و جامعه را قوت بخشیده است. در این رهگذر جامعه‌شناسی علم به موازات اهتمام حوزه‌های مختلف معرفت به بررسی و پژوهش درباره علم، کوشش می‌کند با فهم و تبیین سازمان اجتماعی علم و چگونگی انتظام آن در روند توسعه علم و فناوری در روند دستیابی جامعه به توسعه متوازن و پایدار ایفای نقش نماید.

بیان مساله

علم در همه جوامع و تمدن‌ها صرف نظر از تعریفی که از آن ارائه و محدوده‌ای که برای آن معین شده یا که چگونه و از چه روشی تبعیت کرده و منابع و مآخذ آن چه باشد؛ از جایگاهی ارزنده و قابل احترام برخوردار بوده است. هر چه انسانها در مسیر تکامل اجتماعی به جلو گام برداشته‌اند و زندگی اجتماعی آنان در گیر پیچیدگی‌های بیشتر شده، بر اهمیت علم افزوده شده است. در هر جامعه‌ای به نسبت بار ارزشی که به اطلاعات داده می‌شود دانش تولید می‌شود؛ ارزش می‌تواند شامل پردازش، سازماندهی، درک هوشمندانه و تفسیر اطلاعات باشد.

علم از این جهت که در طی مراحل توسعه خود به مجموعه شرایط اجتماعی وابسته است و دارای موجودیت تاریخی و اجتماعی است، یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شود. [۱] هدف اصلی نهاد علم، تولید و انتقال دانش است که تحقق این هدف وابسته به ارتباط و تعامل کارگزاران دانش در قالب سازمان و اجتماع علمی است. جامعه‌شناسی علم یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که علم را به مثابه یک فعالیت اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد و به موقعیت اجتماعی علم، تأثیرات اجتماعی آن، ساختارهای اجتماعی و فرایندهای فعالیت علمی می‌پردازد. جامعه‌شناسی علم عبارت است از مطالعه و بررسی رابطه بین فضای علم و عناصر آن از قبیل: (دانشمندان، نهادهای آموزشی و پژوهشی، مؤسسات علمی، دانشگاهها، کتابخانه‌ها، همین‌طور هنجارهای علمی، جو علمی و ...) و جامعه با اجزاء آن

مثل: (افراد، امکانات اقتصادی - اجتماعی، نهادهای سیاسی - دینی، معیارهای تاریخی، نظامی، فکری و ...).

سلسله صفویه در سال ۹۰۷ هجری با روی کار آمدن «شاه اسماعیل صفوی» و با به رسمیت شناختن مذهب تشیع تأسیس شد. استقرار سلسله مقتدر صفوی در ایران، زمینه و شرایط امکان را برای گسترش دانش شیعه و سیطره تاریخی آن بر فرهنگ و سیاست جامعه اسلامی ایران فراهم نمود.

صفویه برای تثبیت هویت خود و به حاشیه راندن و دور کردن عثمانیان و اهل سنت، بر مذهب شیعه اثنی عشری تکیه کردند و با دعوت از دانشمندان شیعه جبل عامل و بحرین به ایران، [۲] کوشش کردند که نوعی از علم شیعی - ایرانی تأسیس و رونق بخشند. به این سبب صفویه به تأسیس مساجد و مدارس علمی باشکوهی اقدام کردند که در بیشتر شهرهای بزرگ ایران ظاهر شدند.

دوره صفویه سرآغاز نوزایی ایران، تشیع و اندیشه های شیعی است. دوره ای که فرهنگ شیعه غلبه یافت و فرهنگ و هنر اصیل دینی، خلاقیت و ابتکار خود را در عرصه های مختلف نشان داد؛ دوره ای که فقیهان و فیلسوفان بنامی از ایران برخاستند و با تألیف آثار گرانبها، حیات فکر دینی را به عنوان فکری زنده و پویا تضمین کردند. [۳]

حال می خواهیم بر اساس نظریات جامعه شناسان در زمینه علم، عوامل مؤثر بر رشد علم و سازماندهی علمی اصفهان را در این دوره تاریخی بررسی کنیم و در ادامه به نقش آن در توسعه تشیع در شهر اصفهان به عنوان پایتخت صفویه بپردازیم.

ضرورت و اهمیت پژوهش

تحقیق در تاریخ دارای اهمیت خیلی زیادی است و وسیله ای برای درک عوامل بروز مشکلات، کمبودها و شناسایی مشکلات درباره یک حادثه تاریخی است. چون تحقیق در تاریخ تلاشی است برای شناخت گذشته، درک حال و تعیین مسیر آینده؛ از طریق آن می توان به حقایق و واقعیت ها پی برد. آموخت که مسایل و امور در گذشته چگونه بود و امروز به چه صورتی بروز پیدا می کند و در آینده چگونه متجلی خواهد شد. بدین طریق از تجارب حوادث گذشته برای پیش بینی مشکلات آینده استفاده کرده و گام های مؤثر را برای رفع آنها بر داشت. یکی از عواملی که در تغییر و تحولات جوامع انسانی از گذشته تا به امروز، در مسیر توسعه جوامع نقش اساسی داشته علم و دانش است. در واقع سازمان علمی و آموزشی نبض

جامعه، انعکاس دهنده تنش‌های امروز و آرزوهای فرداست. بدون تردید رشد دانش و معلومات مبنای تولید دانش است که به پشتوانه آن توسعه همه‌جانبه صورت می‌گیرد. از آنجا که رابطه تعاملی و سازنده‌ای بین تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی و به ویژه دین و جامعه‌شناسی در کشورهای اسلامی وجود دارد. آن جامعه‌شناسی موفق است که بر فرهنگ و تاریخ جامعه‌اش پای بند است. اهمیت و ارزش این پژوهش هم از جنبه تاریخی و هم از جنبه مطالعه بنیان‌های علمی یک دوره از تاریخ در شهر اصفهان است.

سوالهای پژوهش

سؤالات اصلی:

- چگونه جامعه اصفهان دوره صفویه حول دانش سازماندهی شده بود ؟
- نقش سازماندهی علم در توسعه تشیع در اصفهان چگونه بوده است ؟

سؤالات فرعی :

- توسعه علم و سازماندهی علمی عصر صفویه در اصفهان چگونه بوده است ؟
- تأثیر سازماندهی علمی در بسط و ماندگاری فرهنگ مذهبی در عصر صفویه در اصفهان چگونه بوده است؟

روش پژوهش

بی تردید یکی از مهمترین فصول هر تحقیق، بحث روش‌شناسی آن می‌باشد. دستیابی به هدف‌های تحقیق و شناخت علمی آن میسر نخواهد بود مگر زمانی که با روش درست صورت پذیرد. دکارت در اثرش " گفتار در روش " روش را راهی می‌داند که به منظور دست‌یابی به حقیقت در علوم باید پیمود.

در عرف، روش را مجموعه شیوه‌ها و تدابیری دانستند که برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش به کار برده می‌شود. در تحقیق حاضر بعد از روشن شدن موضوع، روش پژوهش بصورت روش پژوهش کیفی مد نظر قرار گرفته است.

در این پژوهش، بررسی جامعه شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع به لحاظ موضوع، پژوهشی کیفی است. تحقیق کیفی در نقطه‌ی تمرکز

خود چند روشی و متضمن رهیافت تفسیری - طبیعت گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این به معنای آن است که پژوهشگران کیفی اشیاء را در محیط طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می‌کنند پدیده‌ها را برحسب معنایی که افراد به آنها می‌بخشند معنادار کرده و تفسیر نمایند. تحقیق کیفی مستلزم کاربرد و گردآوری طیفی از مواد تجربی - مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، داستان زندگی، مصاحبه، متون، مشاهده‌های تاریخی و تصویری - است که لحظه‌ها و معانی عادی و چالش برانگیز در زندگی افراد را تشریح می‌کند. [۴]

پیشینه پژوهش

جامعه‌شناسی علم نسبت به رشته‌ها و حوزه‌های علمی دیگر با تأخیر ظهور پیدا کرده است و نسبت به سایر حوزه‌های علمی رشته‌ی نسبتاً جوانی است. مطالعات جامعه‌شناسی علم در ایران از غرب نیز متأخرتر است. [۵] هر تحقیق علمی باید با آگاهی و مرور تحقیقات قبلی انجام گیرد تا محقق با شناخت نتایج و یافته‌های تحقیقات قبلی، آگاهی خود را گسترش داده و در پرتو اطلاعات به دست آمده، مسئله تحقیق و متغیرهای خود را تعریف کرده و کرانه‌های آنها را مشخص سازد. زیرا در مطالعه هر پدیده اجتماعی و هر نوع تحقیق دیگر، مطالعه تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، به این معناست که هرکار تحقیقی از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته و برکارهای بعدی نیز تأثیر می‌گذارد. بنابراین آشنایی با تحقیقات قبلی که در زمینه موضوع مورد مطالعه صورت گرفته ضروری به نظر می‌رسد. [۶] از همین رو در تحقیق حاضر به پیشینه تجربی تحقیقات پرداخته خواهد شد.

تحقیقات انجام شده در ایران (داخلی)

پورآرین (۱۳۷۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «تاریخچه نظام طلبگی ایران عصر صفوی» بیان می‌کند یکی از ویژگیهای دوران صفوی ۹۰۷-۱۱۳۵ (هجری قمری)، تعمیم تشیع در ایران است که نهایتاً به وحدت مذهبی گرائید. برای تحقق این هدف، مدارس دینی به طرز بی‌سابقه‌ای فزونی یافت و علوم شرعی رواج پیدا کرد و گروه کثیری از عالمان شیعی مذهب از خارج به داخل ایران جذب شدند. در نتیجه طلاب و دانشجویان برای تحصیل علوم دینی به حوزه‌های درسی روی آوردند. [۷]

سیدان (۱۳۷۴) در اثری تحت عنوان «موانع اجتماعی - فرهنگی رشد علوم تجربی در ایران عصر قاجاریه» با استفاده از نظریه وبر و شلر به تحلیل ساخت اجتماعی موجود در آن

عصر و نظام معرفتی متناظر با آن پرداخته است. وی ضمن تشریح رهیافت پاتریمونیالیسم وبر در جستجوی شواهدی برای وجود روابط خویشاوندی مورد نظر وبر در عصر قاجاریه می‌آید. [۸]

در این دوران ظهور صوفی‌منشی تجلی بسیار داشته است پشت پا زدن به دنیا و عدم ارج نهادن به آن به صورت یکی از گرایش‌های قوی مذهبی در ایران ریشه دیرپایی دارد. در این دوران شرایط مطلوبی برای ظهور علم وجود نداشته است. در این دوران اصلاح دینی را شاهد نیستیم به جز چند نفر از مدعیان آن نظیر سید جمال الدین اسدآبادی، دین در قالب سنتی خود پا بر جاست. بنابراین با تسلط معرفت مذهبی بر جو حاکم در دوران قاجاریه، جدایی عملکردهای فکری از عملکردهای عاطفی - ارادی ذهن انسان را نمی‌توان شاهد بود. [۹]

ریاحی، (۱۳۷۶) در مقاله «وقف پشخانه نهاد های علمی و آموزشی در اصفهان عصر صفوی» درباره موضوع وقف و پشخانه‌های مالی در نهادهای آموزشی و مؤسسات علمی و فرهنگی اصفهان عصر صفوی بحث می‌کند. در سرتاسر حیات این سلسله، مساجد، مدارس و بسیاری از اماکن عام‌المنفعه پشخانه‌های بسیاری داشته است. املاک و مستغلات وقفی، باعث رونق نهادهای آموزشی و فراهم آمدن امکانات، چه برای محصل یا طلبه و یا مدرّس و استاد شده است. [۱۰]

تاج‌بخش (۱۳۷۷)، قانعی‌راد (۱۳۷۹)، طایفی (۱۳۷۹)، تیموری (۱۳۸۳)، شارع‌پور و فاضلی (۱۳۸۶)، شانه‌ای (۱۳۸۷)، علی‌بابایی (۱۳۸۸) نیز پژوهش‌هایی را در این زمینه در ایران انجام داده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

هر نظریه در واقع بیانگر دیدگاهی است که به ما اجازه می‌دهد تا جهان اطراف خود را بهتر بشناسیم. از همین رو نظریات کلان و خرد در جامعه‌شناسی هر کدام با توجه به پتانسیل‌های خاص خود مؤید این مطلب می‌باشند.

به طوری که نظریه پردازان هر کدام از این نظریه‌ها، دیدگاه‌های خودشان را برای بررسی پدیده‌های اجتماعی بکار می‌برند اما با گذشت زمان و پیچیده شدن عوامل تأثیرگذار بر پدیده‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد دیگر نظریات کلاسیک پاسخگوی بررسی پدیده‌های اجتماعی نمی‌باشند. اما در هر صورت هر کدام از این نظریه‌ها ارزش تفسیری خاص خودشان را دارا هستند.

چارچوب نظری پژوهش

این پژوهش بر اساس نظریه کالینز که بر پایه بررسی دقیق از پهنه های مختلف روشنفکری تدوین شده است و نخستین بار در کتاب، جامعه شناسی فلسفه ها : نظریه جهانی تحول تفکر، نظریه جهانی در باب تغییرات روشنفکری که در سال ۲۰۰۰ توسط انتشارات دانشگاه هاروارد به چاپ رسید، انجام می شود. نظریه مطرح شده در این کتاب که تألیفش ۲۵ سال به طول انجامید، از خلال مطالعه سنت های مختلف دینی نظیر جهان اسلام، مسیحیت، یهودیت، بودائیسیم، کنفوسیوئیسیم، شینتوئیسیم، هندوئیسیم و نیز مکاتب مختلف فلسفی نظیر افلاطونیان، ارسطوئیان، شکاکان، رواقیون، اسپینوزائی ها، سنت دکارتی، سنت کانتی و پوزیتیویسم به دست آمده است. در این نظر گاه، کالینز به فیلسوف، دانشمند، چهره های دینی، مترجمان، مفسران و مربیان ارجاع می دهد. ایده های اصلی، نوشته ها و فعالیت های سازمان یافته معرف آن دست شبکه های روشنفکری می شود که پویایی آنها مورد نظر وی است [۱۱]

بنابر نظر کالینز فعالیت روشنفکری- اندیشیدن- بایستی با بذل توجه به امر واقع اجتماعی ای که آن را بر می انگیزاند مورد مطالعه قرار گیرد. به عبارت دیگر فعالیت های روشنفکری با قرار گرفتن در آن موقعیت نهادی فهم می شود که آن را به انجام می رساند. موقعیت هایی نظیر مدرسه، دانشگاه، بروکراسی دولتی، مسجد، کلیسا، صومعه و یا دربار پادشاهی، ... در رهیافت جامعه شناختی بررسی روشنفکری بایستی توجه داشته باشیم هرگز فعالیت های روشنفکرانه فارغ از اجزاء اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد و آموزش و پرورش قابل بررسی نیست. واحد اصلی زندگی روشنفکری، شبکه روشنفکری است [۱۲]

دیدگاه نظری کالینز جزء رویکرد برونگرا است. همان طور که قبلاً ذکر شد جامعه شناسی علم در دو رویکرد دنبال می شود: برونگرا و درونگرا. هدف رویکرد درونگرا بررسی همه آن چیزی است که درون مرزهای علم اتفاق می افتد، بدون آنکه رابطه آن با بیرون از نظام اجتماعی علم بررسی شود. در الگوی برونگرا، تحولات نظام اجتماعی علم در چارچوب روابط آن با بقیه زیر نظام های اجتماعی تحلیل می شود. کالینز نیز دلمشغولی جامعه شناسی علم خود را در قالب رویکرد برونگرا سامان داده است.

رندل کالینز در مطالعه دقیق و شگفت انگیز خود که ۲۵۰۰ سال از فعالیت های روشنفکری را شامل می شود، تلاش می کند تا اصول و اساس حاکم بر تولد، بلوغ، شکوفایی و زوال شبکه های روشنفکری را در تمام جهان به نمایش بگذارد. کالینز پویایی سنت های

روشنفکری را با عناصر به هم مرتبط و قانون‌هایی نظیر سرمایه فرهنگی، قانون تعداد اندک و همچنین دیالکتیک خلاقیت روشنفکرانه بنا می‌سازد. بدین منظور او پاسخگویی به پرسش‌های زیر را آغاز کار خود قرار می‌دهد: چگونه یک شبکه ظهور می‌کند؟ چرا این ظهور و بروز در یک مقطع زمانی خاص روی می‌دهد؟

در یک شبکه به خصوص هویت و روشنفکری بنیانگذار آن چگونه است و این هویت چگونه به تشریح سمت و سوی گرایش آن شبکه کمک می‌کند؟ چگونه هر یک از اعضای یک شبکه خاص با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کند؟ چگونه شبکه‌های روشنگری با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند؟ چه چیزی عامل خلاقیت و یا زوال آن شبکه می‌شود؟ معتمدین تولیدات نظری آن شبکه چه کسانی هستند؟ چگونه آن تولیدات گزینش پیدا می‌کند؟ کالینز از طریق تحلیل‌های کمی و کیفی تلاش می‌کند، به شناسایی قانون‌های حاکم بر فراز و فرود شبکه‌های روشنفکری نائل آید.

کالینز پس از مطالعه تمدن‌های گوناگون از چین و ژاپن در شرق و خاورمیانه، در نهایت به اروپا و انگلستان می‌رسد و پس از آنکه هر یک از این حوزه‌های تمدن را یک به یک مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد، در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که سه حالت کلی برای یک شبکه روشنفکری خلاق ممکن است و غیر از آن ممکن نیست:

۱- یک شبکه از اندیشمندان بایستی از گروهی از همفکران و همکاران برخوردار باشد؛

۲- یا آنکه سلسله‌ای از استاد و شاگردی باشد؛

۳- و یا آنکه گروه‌های کوچک رقیب که در مقابل هم و برای مخالفت با هم دست به تولید فرهنگی و متون علمی می‌دهند، باشند و در صورتی که هیچ‌یک از این سه حالت مترتب نباشد، شبکه روشنفکری خلاق امکان وجود نخواهد یافت.

مهمترین نکته‌ای که در نظریه کالینز وجود دارد که او را از دیگر متفکران حوزه جامعه‌شناسی علم متمایز می‌کند تأکید بر نقش کنشگران در اجتماع علما است. او در این کتاب خود به نقش کنشگران در تولید نظام نمادین اشاره می‌کند که عامل همبستگی افراد در یک اجتماع است. [۱۳]

کالینز معتقد است جامعه‌شناسی علم، در کنار جامعه‌شناسی ایده و معرفت علمی که سطح خردتری را بررسی می‌کند، به مطالعه‌ی سطح کلان در تولید علم می‌پردازد. کالینز در پیوند سطح خرد و کلان معتقد است که نمی‌توان تنها با تکیه بر جامعه‌شناسی ایده و معرفت علمی، معرفت را تنها امری محلی دانست و باید به بررسی شبکه‌های تماس و ارتباطات و

رقابت‌های میان‌بخش‌های گوناگون اجتماع فکری نیز توجه کرد، همان کاری که جامعه‌شناسی علم می‌کند.

هدف نهایی تلاش او، همچون بسیاری جامعه‌شناسان، فائق آمدن بر تقابل میان دو سطح خرد و کلان است. چرا که اتخاذ هر یک از این دو سطح به هنگام مطالعه پدیداری‌های اجتماعی به فوت شدن ظرایفی از واقعیت اجتماعی خواهد انجامید که درک ما را از جهان اجتماعی مخدوش خواهد ساخت. به تعبیر او اندیشه‌های مهمی که سرفصل تاریخ تفکر هستند، گستره فرا محلی دارند و اگر معرفت را بر ساخته‌ای محلی قلمداد کنیم با محدودیت‌های جدی و وخیمی روبرو می‌شویم در واقع او در صدد است با پیوند سطح خرد و کلان تولید علمی و فکری را در سطحی، گسترده‌تر از یک امر اجتماعی تلقی کند به خوبی دیدگاه نظری او را در چگونگی اجتماع فکری در گستره‌ای فرامحلی به گونه‌ای تشریح می‌کند که کمتر نظریه‌ای مسأله‌ای اجتماعی بودن علم را به طور جزئی‌تر و با تشریح عناصری که این روابط را ایجاد می‌کنند، بیان کرده است.

کالینز با نگاه ذات‌انگار مخالف است و تفکر را استعداد ذاتی اندیشیدن در فرد نمی‌داند که فرد به طور ذاتی مستعد تفکر باشد از نظر او تفکر محصول تعامل‌ها و روابط اجتماعی است که در تنهایی نیز حضور دارد.

در واقع متفکر، فرد تنهایی نیست که در تنهایی و در اتاق دربسته‌ای ساعت‌ها به تفکر بپردازد و نظر و ایده‌ای را مطرح کند.

متفکر بخشی از جامعه‌ای است که در جریان مراوده و تعامل با دیگر اعضا به متفکر تبدیل می‌شود. در این تحقیق در صدد برآمدیم تا با در نظر گرفتن رویکرد مفهومی و نظری رندال کالینز کیفیت تولید علم را در یک دوره تاریخی بررسی کنیم.

رویکرد نظری مورد نظر ما بر این باور است که افزایش ارتباطات و تعاملات بین اندیشمندان یک رشته بخصوص، انگیزش و انرژی عاطفی را میان آنها افزایش می‌دهد که منجر به شکل‌گیری یک فضای توجه مشترک می‌شود. نمادهایی که در فضای توجه افراد چرخش می‌کنند انرژی‌زا هستند و بر حسب میزان سرعت چرخش خود میزان سرمایه فرهنگی و خلاقیت را افزایش می‌دهند و این ما را به تولید آثار و آراء بهتر سوق می‌دهد. این رویکرد نظری، نوعی رهیافت تحقیقی را به ذهن متبادر ساخت که به بررسی نهادها، اجتماعات علمی، آثار و آراء اندیشمندان دوره صفویه در اصفهان بپردازیم که چگونه موجب بسط و توسعه مفاهیم بنیادی شیعه شدند.

یافته های تاریخی

عصر صفویه یکی از مهمترین دوران های ثبات نسبی سیاسی، اجتماعی، امنیتی داخلی، رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی بود که افزایش اقتدار ایران در منطقه و حتی در جهان را موجب شد. پایه ریزی حکومت و کشوری بر مبنای مرزهای کهن ایران زمین در این دوره را مستقر و حفظ کرد. اگر اقتدار صفویان در این دوره پرتنش و رویکرد گسترش اراضی توسط کشورهای همسایه نبود، سیل تخریب کن این حکومتها می توانست سرزمین ایران را در نوردد و شاید امروزه نه شاهد حکومت شیعی می بودیم و نه تمامیت ارضی ایران باقی می ماند.

ساختار دولت صفویه

جنبش صوفیانه ی صفویان از معدود جنبش های مذهبی- سیاسی در ایران است که توانست حکومتی را در قلمرو وسیعی که با وسعت امپراتوری های پیش از اسلام شانه می زد، بنیان نهد. تعلق خاطر شرکت کنندگان در این جنبش به یک طریقت صوفیانه، وجهه ی متمایز آن از دیگر حرکت های منتج به ایجاد دولت می باشد. این ویژگی تأثیر خود را در ساختار دولت صفوی نیز به خوبی نشان می دهد. دولت بر آمده از این جنبش، دولتی بود با ویژگی های کاملاً دین سالار دولتی که فرمانروای آن هم مدعی دین بود و هم مدعی سیاست، و نهاد های دینی در آن از ثقل بیشتری برخوردار بودند، لذا کارکرد های مذهبی دولت در اولویت قرار داشتند.

رهبران مذهبی از ارج و قرب بسزایی در نزد دولتمردان برخوردار بودند و هر چه از عمر این دولت می گذشت نهاد مذهب گسترش بیشتری پیدا می کرد.

نهاد دین و سیاست کاملاً در هم ادغام شده بودند و به دشواری اقدامات مذهبی و سیاسی دولت از یکدیگر قابل تفکیک بود. دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیاتی بود: نخست ایجاد ملتی واحد با مسئولیتی واحد در برابر مهاجمان و دشمنان و نیز در مقابل گردن کشان و عاصیان بر حکومت مرکزی؛ دوم ایجاد ملتی دارای مذهبی خاص که بدان شناخته شده و به خاطر دفاع از همان مذهب، دشواریهای بزرگ را در برابر هجوم های دو دولت نیرومند شرقی و غربی تحمل نمود. در این مورد، مذهب رسمی شیعه دوازده امامی، همان کاری را انجام داد که اکنون ایدئولوژی های سیاسی در تشکیل حکومتها می کنند و بار دیگر ملت ایران را ملتی قائم بالذات، متحد، توانا و واجب الاحترام ساخت.

نقش علما در عصر صفویه

علما و فقها در عصر صفویه به ارشاد سلاطین در خط رسمیت تشیع دوازده امامی و کنترل آنان در راه ترویج احکام و فرایض و اصول دین و تعدیل آنان عمل می‌کردند. علاوه بر این می‌بایست در جبهه‌های دیگری نیز بجنگند، که مبارزه با جبهه افراطی غلو و صوفیگری از جمله آنها بود. بطور کلی ایجاد اعتدال توسط مجتهدان در چهار جهت مهم زیر صورت گرفت:

۱- اعتدال سلطنت و جلوگیری از قدرت مطلقه خوانده شدن سلاطین.

۲- اعتدال مذهبی و ممانعت از درگیریهای مذهبی، بویژه درگیریهای شیعه و سنی.

۳- اعتدال در حاکمیت مثل کاهش تاثیر گذاری و نفوذ نظامیان از جمله سران قزلباش.

۴- ایجاد اعتدال در اقدامات، دیدگاهها و عملکردهای صوفیانی که در طول چند سده قبل نفوذ زیادی پیدا کرده بودند و جلوگیری از افراطی‌گری.

حکومت صفوی با حمایت از روحانیان به این مهم پرداخت یکی از راههای حمایت از دین و روحانیان، دعوت از علما و روحانیون شیعی دیگر مناطق و همچنین گسترش مدارس و درنهایت توسعه نهاد آموزشی دینی بود که این مهم به خوبی انجام پذیرفت.

در رأس اقدامات مهم علما در عصر صفویه، نخست می‌توان سه کار عمده و مهم را بر شمرد:

۱. رسمیت دادن به مذهب شیعه دوازده امامی و آن را رسمی مملکت پهناور ایران قرار دادن.

۲. نهضت علمی و فرهنگی به منظور ترویج مکتب شیعه به وسیله تألیف کتاب و تدریس.

۳. تأسیس حوزه‌های علمیه برای پرورش طلاب، مدرّس، مبلّغ، فقیه، محدّث، حکیم و متکلم.

آموزش و پرورش عصر صفویه

با ظهور اسلام و پذیرش آن توسط ایرانیان نه تنها در اعتقاد و باور آنان به آموزش خللی پدیدار نشد، بلکه با تاکیدى که بر آموختن علم به عنوان یک ارزش اسلامی صورت گرفت، این اعتقاد راسخ تر گشت؛ چه در قرآن مجید به تحصیل و تحقیق توصیه شده است، همه گویای ترغیب مسلمانان به آموختن دانش است. ضمن اینکه تقریباً همه بزرگان، نویسندگان و شاعران ایرانی نیز در آثار خود مردم را به فرا گرفتن دانش و هنر تشویق کرده اند.

در این دوره سازمان فرهنگ توسعه یافت و بر تعداد مدارس و مساجد افزوده گشت. در واقع می‌توان گفت تعلیم و تربیت عمومی شد. مجالس وعظ و خطابه و روضه خوانی جهت رواج تشیع رونق فراوان یافت و عنوان عالم به فقها اطلاق گردید و توجه بیش از حد به علوم دینی موجب بی‌توجهی به برخی از علوم بشری نظیر طب، کشاورزی و غیره گردید. برنامه در

هر جا عبارت بود از ایجاد محبت نسبت به ائمه معصومین در دل مردم و سپس آموزش قرآن و خط و سواد فارسی و مقدمات زبان عربی و غیره ... کتاب‌هایی چون کافی (از محمد بن یعقوب کلینی)، من لایحضره الفقیه (از محمد بن علی ابن بابویه)، استبصار (از محمد بن حسن طوسی)، تهذیب الاحکام (از محمد بن حسن طوسی)، وسایل (از محمد بن حسن حر عاملی)، وافی (از ملا محسن فیض)، بحار الانوار (از ملا محمد باقر مجلسی) اساس و پایه تعلیم و تربیت بودند. از محسنات این دوره فارسی‌نگاری کتب دینی و ساده‌نویسی برای بهره‌بردن کم‌سوادان بود که موجب گسترش سواد و افزایش معارف گردید [۱۴]

سازمان تعلیم و تربیت به علت اهمیت فوق‌العاده سلاطین صفوی به مذهب، مجتهدین و عالمان دینی، قدرت و نفوذی عظیم یافتند. زیباترین مساجد و مدارس تأسیس شد و علمای طراز اول مذهبی پرورش یافتند. مدارس سایر مذاهب تعطیل و به مدارس شیعه تبدیل شد. برنامه تعلیم نیز تفاوت عمده‌ای که داشت این بود که محبت حضرت امیر و یازده فرزندش اساس کار قرار گرفت. کتبی در این زمینه‌ها تألیف شد و هر کس قریحه‌ای داشت به تحصیل علوم دینی پرداخت. [۱۵] علم و دانش هم در اصفهان رواج و رونق یافت و علما و دانشمندان از هر ناحیه روی به اصفهان آورده و از اهالی شهر هم به تعلیم و تربیت گرائیدند و تحصیل علوم و معارف عقلی و نقلی شایع گردید. [۱۶] شاردن نیز در تعریف اصفهان می‌گوید، اصفهان (دارالعلم شرق) مهد دانش در سراسر مشرق زمین بشمار می‌رود و از آنجا علوم بکلیه نقاط خاور بویژه هندوستان منتشر می‌گردد [۱۷].

وضع کتاب و کتابخانه‌ها در عصر صفویه

در این دوره باشکوه، در شهرهای اصفهان، مشهد، تبریز، قزوین و بسیاری از نقاط دیگر، هزاران کاتب به استنساخ کتاب مشغول بودند و آثار مکتوب را برای استفاده خود یا به درخواست دیگران کتابت می‌کردند. کاتب، کتاب را پس از استنساخ به کتابخانه شخصی یک عالم یا وزیر یا شاه یا کتابخانه مدرسه‌ای منتقل می‌کرد. در این دوره کتاب‌های زیادی از عراق، جبل عامل، بحرین و حتی هند به ایران انتقال یافت و تحول جدیدی در برخی از دانشها به وجود آمد. اما در کنار اینها محدودیت کار استنساخ کتاب و لطماتی که گاه از بابت کاتبان فاقد علم و دانش بر کتاب‌ها وارد می‌آمد باعث بی‌رونقی بازار کتاب می‌شد. بخشی از کتابخانه‌های این دوران شامل کتابخانه‌های عمومی، شامل کتابخانه‌های مدارس،

کتابخانه بقیه شیخ صفی، کتابخانه های آستان مقدس امام رضا (ع) و حضرت عبد العظیم در ری و نیز کتابخانه سلطنتی می شد. کتابخانه سلطنتی در دوره افغان ها به غارت رفت . [۱۸]

روال علوم در عصر صفویه

صفویان در دوران فرمانروایی ۲۴۰ ساله خود بر ایران نقش بزرگی در تاریخ پیشرفت فرهنگ و تمدن این سرزمین بازی می نمودند، بویژه سلطنت شاه عباس اول رونقی در زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و همچنین در زندگانی معنوی ایرانیان به وجود آورد و یک بار دیگر ایران در جهان آن زمان سربلند گردید و توانست بار دیگر به سابقه تاریخی خود بنزد. شاه اسماعیل صفوی به سال ۱۵۰۰ میلادی تاجگذاری کرد و به سال ۱۷۲۲ میلادی محمود افغان در کاخ چهل ستون اصفهان به دست شاه سلطان حسین صفوی تاج بر سر خود نهاده و بر تخت نشست و به سلسله صفویه در عمل پایان بخشید. بنابراین به طور خلاصه در مدت دو سده یازده سلطان صفوی بر تخت شاهی ایران نشستند. سه نفر آنان واقعا پادشاهان بزرگی بودند این پادشاهان وحدت ایران را به وجود آوردند و مذهب شیعه را مذهب رسمی دولتی نمودند و میان ایران و اروپا روابط نزدیک برقرار ساختند. [۱۹]

دوره صفویه سرآغاز نوزایی ایران، تشیع و اندیشه های شیعی است. دوره ای که فرهنگ شیعه غلبه یافت و فرهنگ و هنر اصیل دینی، خلاقیت و ابتکار خود را در عرصه های مختلف نشان داد؛ دوره ای که فقیهان و فیلسوفان بنامی از ایران برخاستند و با تألیف آثار گرانبها، حیات فکر دینی را به عنوان فکری زنده و پویا تضمین کردند. [۲۰]

نقش عالمان و روحانیون و رشد حکمت و فلسفه

به طور کلی اوج نفوذ روحانیان در عهد صفوی، ابتدا در زمان اسماعیل اول است و سپس در زمان طهماسب اول این نفوذ قوت فوق العاده ای می گیرد، به طوری که فرامین دربار فقط با تأیید علما قابل اجراست. در عهد عباس اول بخاطر قدرت فوق العاده شاه از نفوذ روحانیون کاسته شد و شاه از دخالت آنان در امور جلوگیری میکرد بویژه که آنان می خواستند در تغییر و تبدیل در مهمات کارخانه سلطنت مثل تعیین وکیل، وزیر و صدور و غیره دخالت نمایند. در عهد جانشینان و بویژه شاه حسین مجدداً قدرت عمده در دست روحانیان و برخی از آنان مانند محمد باقر مجلسی از اهمیت خاصی برخوردار بودند [۲۱]

تعامل میان سلاطین صفوی و عالمان شیعی روند ثابتی نداشت؛ در دوره شاه عباس، به دلیل استبداد و تمرکز قدرت شدید، تمامی مناسب زیر سلطه شاه قرار داشت، اما در سالهای پایانی عمر این سلسله، نهاد دین سعی میکرد استقلال خود را افزایش دهد، به طوری که با سقوط صفویه، نهاد مرجعیت و قدرت مذهبی سقوط نکرد؛ علت اصلی آن، عدم ادغام علمای شیعه در سلطنت صفوی بود، بلکه علما پیوسته در حد نیاز خود و در جهت گسترش آموزه های دینی عمل می کردند.

در مجموع حاصل تلاش دانشمندان شیعه مذهب در دوران صفوی تولد یک نظام عقلی- اعتقادی بود که به طور همزمان بر سه عنصر وحی، اشراق و عقل تکیه داشت. در این نظام اعتقاد به وحی (یعنی قرآن، احادیث پیغمبر و گفته ها و کردارهای امامان که آنان نیز متصل به وحی بودند) به عنوان بیان حقیقت در کنار اعتقاد به اشراق (روش های زهد گرایانه و عارفانه) و عقل (روش منطقی و علمی) به عنوان راه های یافتن حقیقت قرار داده شده بود و انسان شیعه مذهب که از عمق وجود به آموزه های شیعی اعتقاد داشت، می توانست از درون این همنشینی متولد شود و به تکامل برسد.

آثار و نتایج تعلیم و تربیت عصر صفویه

در عصر صفویان دو عامل متأثر بر یکدیگر تعلیم و تربیت عمومی را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و در نهایت توسعه چشمگیر آن را از پس چندین قرن قدرت باعث شدند. نخستین عامل به ساختار سیاسی ایدئولوژیک حکومت صفویان باز می گردد که بطور راسخ و پایداری سرنوشت سیاسی حکومت را به باورهای مذهبی خویش پیوند زده بود. دومین عامل مربوط می شود به ظهور طبقه ای جدید مرکب از علماء و فقهای شیعی که از نفوذ و استقلال سیاسی و اجتماعی بی سابقه ای برخوردار گردیدند. این طبقه تدوین افکار مذهبی با تفسیر شیعی را در صدر توجهات خود قرار داده و از این طریق با جدیت تمام در گسترش تعلیم و تربیت کوشیدند. مجموعه این دو عامل باعث گردید تا آموزش صفوی چه در محتوا و برنامه خود و چه در جهت ایجاد محیط کالبدی مناسب به مرتبه ای برتر از تمامی ادوار گذشته ایران نایل شود [۲۲]

در این دوره آموزش و پرورش مطلقاً وسیله اعتلای دینی بوده و لذا محتوای آموزشی مراکز تعلیم و تربیتی مشتمل بر حوزه های مختلف علوم الهی بود. بر خلاف قرون سوم و چهارم علوم عقلی و فلسفه عملاً منسوخ شده، فقه و احکام بطور بی سابقه ای ارج نهاده شد.

این گرایش البته باعث شد مفهوم آموزش عمومی از سطحی محدود و صرفاً برای تحقیقات عالمانه تا حد کاملاً همگانی، فراگیر و قابل اکتساب توسط عموم وسعت پیدا کند. در این دوره برای نخستین بار نظریاتی متقن و مدرن پیرامون فلسفه، هدف و برنامه آموزش و پرورش عمومی منتشر شد و یا نظریات ارائه شده پیشین به طور جدی تدریس و مورد استفاده قرار گرفت؛ یعنی تعلیم و تربیت به صورت یک علم مستقل مطرح گردید به همین جهت این دوره را دوران کلاسیک آموزش سنتی در ایران می دانند.

شکل (۱) آثار مثبت و منفی تعلیم و تربیت در عصر صفویه

آثار مثبت	آثار منفی
ظهور اندیشمندان و محققان بزرگ شیعی	از رونق افتادن علوم عقلی
گسترش علوم دینی	فرار برخی از عالمان
توجه بزرگان و مردم به امر آموزش و پرورش	از دست دادن سرمایه های علمی و فرهنگی
توسعه مدرسه سازی	رواج برخی تعصبات مذهبی و خرافی گری
هجوم نوجوانان برای کسب علوم دینی	بی خبری از پیشرفتهای علمی اروپا
تدوین نهایی دانش های مذهبی شیعه	
رواج کامل تفکر و اعتقادات شیعی در زندگی مردم	
رواج زبان فارسی در تألیف کتب درسی	

نتایج تحلیلی و تئوریکی

تولید دانش قبل از هر گونه عواملی، نیازمند ارائه ی یک برنامه ی جامع و مدونی است. براین اساس باید در برنامه توسعه کلان کشوری بر تولید علم از سوی سازمان های آموزشی و پژوهشی و تقاضا برای دانش جدید از سوی سایر سازمان ها تأکید ویژه به عمل آید. توسعه به عنوان فرآیند بهبود شرایط زندگی برای همگان، دارای چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که در حرکت پیشرونده ی خود، کاهش فقر، برابری، صنعتی شدن، ارتباطات بهتر، ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی را در پی دارد .

در عصر صفویه برای محقق شدن اهداف گروه های سیاسی نیاز به نهادی شدن مذهب شیعه در عموم مردم بود و برای نهادی شدن باید ساختار علمی جامعه متحول می شد. بر این

اساس توجه به نقش تولید دانش در توسعه جامعه ضروری بود، مبنای تولید دانش، آموزش و پرورش است. آموزش و تولید دانش نوعی سرمایه گذاری در سرمایه ی انسانی و زیر بنای توسعه اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه فرهنگی است.

بر اساس آنچه کالینز در بررسی های خود به آن رسید، یک عنصر اساسی در پیشرفت علم ترکیب ایده هایی است که از گذشته تا به حال وجود داشتند و ارتباط مؤثر بین دانشمندان جزء غیر قابل چشم پوشی در فعالیت های علمی است یک دانشمند بایستی بخش مهمی از وقت خود را صرف مطالعه و بررسی آثار سایر اندیشمندان کند و ارتباط مؤثر را با دانشمندان دیگر حفظ نماید. ارتباط دانشمندان شرط لازم و ضروری پیشرفت علم است. اگر دانشمندان یافته های علمی خود را به هم انتقال ندهند هیچ پیشرفتی در علم حاصل نخواهد آمد.

افرادی چون شیخ بهایی، صدرالمطالین و علامه مجلسی و... در این دوره از این جمله افراد خلاق هستند که با تکیه بر خلاقیت خود عناصری از محصولات و آثار گذشتگان را ترکیب و ایده های نو آفریدند که هنوز هم مورد استفاده قرار می گیرد. آثاری که از گذشتگان به جا مانده توسط متفکران مورد ارجاع قرار می گیرد که این باعث تشویق و کسب انرژی عاطفی بیشتر شده و افرادی که به آنها ارجاع داده می شود تبدیل به نمادی شده و به نوعی مورد توجه قرار می گیرند و کسانی که با استفاده از ارجاعات آثار گذشتگان بتوانند ایده هایی نو بیافرینند در فضای توجه جایی برای خود باز می کنند.

متن ها و اندیشه ها نماد تداوم اجتماع فکری در طول زمان هستند. از آنجا که بیشتر متون و منابع مذهبی شیعه به زبان عربی بود و نمایندگان فرهنگ شیعی قبل از صفویه عمدتاً عرب بودند و یا آثار خود را به زبان عربی به نگارش در می آوردند در آغاز تشکیل حکومت صفوی ترجمه و شرح کتب دینی در اولویت اساسی قرار گرفت. بنابراین ترجمه و شرح و تفسیر متون در آثار مزبور عرصه آزمونی برای علمای شیعی مذهب بود تا خلاقیت و استعداد خود را در تبیین معرفت دینی از نوع شیعی آن بروز دهند. همچنین این آثار سرمایه فرهنگی حلقه ها برای تدریس و مورد نقد قرار گرفتن بود. ترجمه کتاب پیشینیان و عالمان شیعی به زبان فارسی خود نوعی تقدیر سازمانی برای عالمان شیعی بود.

همان طور که می بینیم دوره صفویه دوره ای بود که در آن ثبات نسبی وجود داشت و از آشوب های ویرانگر دوره های قبلی خبری نبود. افزایش امنیت سیاسی و اجتماعی باعث شد که مدارس، مکتب خانه ها، مساجد و ... به روند طبیعی خود ادامه دهند و عصر جدیدی از سازماندهی علوم را در این دوره بنیان نهند که خود این باعث علاقه افراد در این دوره به

کسب دانش و فضیلت و فراگیری علوم مختلف شوند. این روند باعث شکل‌گیری گروه‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون دانش شد. گسترش و عمومیت آموزش در این دوره زمینه را برای شروع پیشرفت در سطوح مختلف علمی به وجود آورد که سبب شد صفویه به یکی از دوره‌های طلایی آموزش و پرورش در قرن‌های متمادی که رکود در این زمینه شاهد بودیم به منسّه ظهور برسد.

به وجود آمدن دولتی متمرکز که هم از جنبه سیاسی و اجتماعی و هم از جنبه مالی و اقتصادی دارای وضعیتی مناسب بود سبب ایجاد آرامش نسبی شیعیان در این دوره شد که آنها بتوانند با خیالی امن به گسترش علوم شیعی و ترویج آنها در میان عموم مردم و مریدان خود کنند و شاه اسماعیل که خود به علوم عربی علاقه خاصی داشت و با فراگیری آنها در میان شیعیان جایگاه خاصی را پیدا کرده بود، توانست در مدت حدود نیم قرن حکومت شیعی متمرکز و قوی‌ای را بنیان نهد.

عصر صفویه (حکومت شاه شیعه/ ولایت فقیه عادل) با استقرار دولت صفوی و رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، زمینه مناسبی برای فعالیت سیاسی علمای شیعه و در نتیجه تکوین نظریات سیاسی تشیع فراهم کرد. در این دوران هر چند علما رهبری جامعه را همچنان از آن امام معصوم می‌دانستند و غالباً حکومت غیر معصوم را غاصبانه تلقی می‌کردند به سبب شیعه بودن دولت صفوی و خدمت آن به شیعیان، معتقد به حمایت از دولت بودند راه حل علما برای این مسئله فراهم آوردن زمینه همکاری با دولت به جهت خدمت به شیعه و عدم اظهار نظر صریح در باره رهبری سیاسی جامعه بود. ضمن آن که حیطه حکومت شاه عادل نسبت به دوره قبل که محدود به امام یا افرادی که توسط امام منتخب شده بودند می‌شد در این دوره حوزه‌ای به مراتب گسترده‌تر از دوران قبلی یافت و بعضی شاهان صفوی به رغم برخی از فقه‌های شیعه در دایره سلاطین عادل قرار گرفتند تفکیک میان امور شرعی و امور عرفی از جمله خط مشی علما در این دوره بود. تفکیک سیاست از شریعت یعنی طرح بر عهده گرفتن وظیفه سیاست و امنیت توسط سلطان و اجرای حدود قضاوت و امور حسبیه توسط فقها عناصری از گفتمان غالب سیاسی در این دوره بود. در این دوره نیز فقها به تصدی اموری از قبیل؛ قضاوت، اقامه حدود، نماز جمعه، تصدی امور حسبیه و... قائل بودند، اما هیچ‌گاه مستقلاً به نهاد دولت و لوازم و احکام آن نپرداختند در این دوره محقق کرکی بعنوان اولین فقیهی که در کلامش عناصر مقدماتی یک نظریه سیاسی وجود داشت ظهور کرد. سؤال اصلی که برای این اندیشمند مطرح بود اینکه؛ چگونه می‌توان میان واقعیت‌های موجود این

دوران و اندیشه غالب شیعی هماهنگی ایجاد کرد؟ به عبارت دیگر چگونه میتوان میان سلطنت مطلقه افراد غیر معصوم که حکومتی غیر مشروع محسوب میشد، با خدماتی که شاهان شیعی صفوی به تشیع می کردند، جمع نمود؟ علاوه بر محقق کرکی، دانشمندان و عالمانی چون؛ شهید ثانی، محقق اردبیلی، محقق سبزواری و علامه مجلسی نیز در این دوره به ارائه نظریات سیاسی پرداختند. که علی رغم اختلافات موجود عنصر مسلط و غالب در این دوران نظریه ای است که بر جایز بودن همکاری با سلاطین صفویه، پذیرش هدیه و مسئولیت از سوی فقها، برگزاری نماز جمعه در این دوره و... صحنه می گذارد بدین ترتیب گفتمان غالب در این دوره، گفتمان قدرت موازی "حکومت شاه شیعه/ ولایت فقیه عادل" است.

به وجود آمدن دولتی متمرکز که هم از جنبه سیاسی و اجتماعی و هم از جنبه مالی و اقتصادی دارای وضعیتی مناسب بود سبب ایجاد آرامش نسبی شیعیان در این دوره شد که آنها بتوانند با خیالی امن به گسترش علوم شیعی و ترویج آنها در میان عموم مردم و مریدان خود کنند و شاه اسماعیل که خود به علوم عربی علاقه خاصی داشت و با فراگیری آنها در میان شیعیان جایگاه خاصی را پیدا کرده بود، توانست در مدت حدود نیم قرن حکومت شیعی متمرکز و قوی ای را بنیان نهد.

دولت صفویه که خود دولتی دین سالار بود و به رهبران دینی ارج نهاده و برای آنها ارزش و مقام والایی نیز قائل بود، در تمام دوران حکومت خود این احترام و ارج را حفظ کرده و همیشه در این دوره ۲۵۰ ساله رابطه دین و دولت تقریباً پایدار بود و این زمان طولانی و وجود اندیشمندان شیعی بزرگ خود فرصت بسیار خوبی بود که بتوانند علوم تشیع را گسترش داده و همچنین از این فرصت استفاده کنند تا آموزش را در بین مردم رواج داده و با آگاه کردن آنان سهم به سزایی در گسترش دین و دانش در سطح جامعه کنند که خود این مسائل دست به دست هم نهاده و باعث شد که بدنه حکومت صفویه با اتصال به نیروی مذهبی حتی با توجه به پادشاهان مختلف و با روحیه های متفاوت این برهه از زمان از ثبات و امنیت نسبی برخوردار باشد. این اتفاقات خوش یمن که حضور دولتی قوی و مسئول در برابر مردم و امور حکومت بود و ملتی که دارای مذهبی خاص بودند، باعث گسترش تعداد شیعیان و همبستگی بیشتر در جامعه با توجه به حمایت حکومت از آنها شد.

طبق نظریه رندل کالینز که نهضت های روشنفکری و علمی در چارچوب نظام اجتماعی علم و رابطه آن با بقیه نظام های اجتماعی شکل می گیرد اطلاعات نویسنده نیز هم سو با

نظریه کالینز که فعالیت های فکری و اندیشیدن را در مدرسه، کلیسا، دربار پادشاهی و ... جستجو می کند و ارتباط آنها را برای شکل گیری نهضت های علمی موثر و مفید می داند مبتنی بر این است که در دوره صفویه تأسیس مدارس مختلف و حوزه های علمیه و نیز گسترش تألیف کتاب و توسعه کتاب خانه ها و نیز افزایش تعداد مدارس و مساجد و عمومی شدن تعلیم و تربیت و حضور علما و روحانیون در مجالس وعظ و سخنرانی و همچنین انقلاب به وجود آمده در نهضت ترجمه و حضور اندیشمندان و بزرگان در دربار صفوی از یک سو باعث گسترش حوزه آموزش و پرورش در این دوره و شکوفایی نهضت علمی و ثبات نسبی در سازمان علم شود و از سوی دیگر با حضور این گروه ها در کنار هم و بهره گیری از یکدیگر و استفاده از تجارب و اندیشه های علمای گذشته باعث شد که روحانیون و علما، طبق نظریه کالینز که به بهره بردن و استفاده از میراث اندیشمندان و علمای گذشته اشاره می کند، از این موقعیت استفاده کرده و علاوه بر ارشاد پادشاهان و درباریانو اصلاح حکومت به رسمیت یافتن تشیع کمک کرده و به مبارزه با صوفیگری اقدام کرده و از درگیری های مذهبی که احتمال بروز آن می رفت جلوگیری کردند.

همان طور که کالینز به چگونگی به وجود آمدن شبکه روشنفکری و نهضت علمی در زمانی خاصی با توجه به وجود شبکه ای از اندیشمندان یا سلسله ای از نظام استاد - شاگردی اعتقاد دارد، در این پژوهش به این یافته در دوره صفویه نیز دست یافتیم که در این دوره هر دو عامل بالا که وجود شبکه ای از اندیشمندان و گروه های هم فکر مذهبی، علمی و اجتماعی و تبادلات علمی و مذهبی که در بین آنها وجود داشت. همچنین وجود نظام استاد - شاگردی که در این دوره به علت ظهور و تحکم بنیان مذهبی وجود داشت باعث شد که تعداد زیادی شاگرد در زمینه های مختلف در کلاس های درس استادان حضور یابند و در رشد و ایجاد فضای علمی و تداوم تعاملات و نیز گسترش دین و رواج آن در بین مردم نقش به سزایی داشته باشند. برآیند این عناصر که همان شکل گیری و ارتباطات میان حوزه های مختلف برای ایجاد پیوند سطوح خرد و کلان در سطح جامعه و مدنظر کالینز نیز می باشد به رونق علوم و گسترش تشیع در دوره صفویه منجر شد.

دوره صفویه زمان به وجود آمدن اندیشه بود، اندیشه ای که هم در سطح علمی و هم در سطح دینی و سیاسی و اجتماعی وجود داشت. و این اندیشه از دین نشأت گرفته و به تمامی لایه های جامعه نفوذ کرد. ظهور اندیشه با توجه به موقعیت نهادی و اجتماعی ویژه ای که رندل کالینز آن را بهره بردن از میراث پیشین اندیشمندان و درک موقعیت موجود می نامد به

وجود می‌آید. داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشمندان این دوره با توجه به ایدئولوژی غنی مذهب شیعه و تجربیات و اطلاعاتی که از گذشته علما و بزرگان در حوزه‌های مختلف در دسترس داشتند و همچنین مبادلات فکری دانشمندان، گسترش اندیشه و تفکر در دوره صفویه را در پی داشتند. در بیان شکوه فرهنگ این دوران همین بس که اشاره کنیم به بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب از شیخ بهایی: در زمینه‌های فقه، اصول، ادبیات و علوم عربی، حدیث، ریاضیات، ستاره‌شناسی، حدیث، اصول اعتقادی، حکمت و فلسفه و علوم غریبه. با توجه به مطالب آمده در این پژوهش در می‌یابیم که توسعه سازمان علم در دوره صفویه با توجه به توسعه سازمان فرهنگ، افزایش تعداد مدارس و مساجد و تعطیلی مدارس سایر مذاهب (غیر شیعی) و نیز گسترش نهضت ترجمه و تألیف کتب تفکر شیعی و وجود دوره‌های تحصیل رایگان در کنار حضور دائم طلاب در حوزه‌های علمیه و نیز وجود اندیشمندان و متفکران علمی بزرگ در بستری که اوضاع اقتصادی آن رو به بالندگی می‌رفت و اوضاع اجتماعی و امنیت نسبی در این دوره برقرار بود باعث ایجاد سازمان علمی قوی و آموزش و پرورش در سطحی که برای بسیاری از دوره‌های آینده به صورت یک الگو گردید نهادینه شد. همچنین در کنار تمام عناصر بالا می‌بینیم که حمایت پادشاهان و درباریان از مذهب تشیع به طور گسترده وجود داشته و حتی شاه اسماعیل کتاب قواعد علامه حلی را به عنوان قانون حل و فصل مسائل حکومتی و دینی برگزید که منجر به توسعه و رسمیت یافتن مذهب شیعه اثنی عشری در آن زمان شد.

فهرست منابع:

۱. محسنی، منوچهر (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی علم، جامعه، علم و تکنولوژی، تهران، انتشارات طهوری، ص ۶۰.
۲. میر احمدی، مریم (۱۳۶۹)، دین و دولت در عصر صفوی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۱۱۱.
۳. جعفریان. رسول (۱۳۸۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، چاپ اول، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ص ۱۵.
۴. محمد پور، احمد (۱۳۸۹)، ضد روش: مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی (ج ۲)، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ص ۹۴.
۵. توکل، محمد (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی علم، تهران، انتشارات قومس، ص ۷.
۶. کیوی، ریمون، و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، چاپ سوم تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ص ۳۶.
۷. پورآرین فولاد (۱۳۷۰)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «تاریخچه نظام‌طلبی ایران عصر صفوی» دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۱۰.
۸. معمار ثریا، (۱۳۸۳)، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی «بررسی جامعه‌شناختی موانع توسعه علمی در ایران»، دانشگاه اصفهان، ۲۶.
۹. همان، (۱۳۸۳)، ص ۲۸.
۱۰. ریاحی، محمد حسین (۱۳۷۶)، وقف پشوانه نهاد‌های علمی و آموزشی در اصفهان عصر صفوی، «وقف میراث جاویدان»، ش: ۲۰-۱۹، ص ۱۴۰.
۱۱. همان، (۲۰۰۰)، ص ۲۲.
۱۲. همان (۲۰۰۰)، ص ۱۲-۱۱.
۱۳. ضمیری، محمد علی (۱۳۷۱) زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، چاپ اول، شیراز، راهگشا، ص ۶۸.
۱۴. الماسی، علی محمد (۱۳۷۰)، تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، چاپ اول، تهران، نشر دانش امروز وابسته به انتشارات امیرکبیر، ص ۳۹۷.
۱۵. ایمانی، مجتبی (۱۳۵۵)، تاریخ فرهنگ اصفهان، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ص ۱۶.
۱۶. شاردن، ژان (۱۳۳۸)، سیاحت‌نامه (ج ۳) و (۵)، ترجمه محمدعباسی، تهران: امیرکبیر، ص ۴۶.

۱۷ . جعفریان . رسول ، (۱۳۸۸) ، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی ، تهران نشر علم ، ص ۱۰۸۲

۱۸ . چند تن از خاورشناسان فرانسوی (۱۳۸۱)، تمدن ایرانی، فصل هفتم : از سلسله صفوی تا سلسله پهلوی ، مؤلف هانری ماسه ، ترجمه عیسی بهنام ، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۳۰۱-۳۰۲.

۱۹ . جعفریان . رسول (۱۳۸۹) ، صفویه در عرصه دین ، فرهنگ و سیاست ، ج ۱ ، چاپ اول ، قم ، پژوهشکده حوزه و دانشگاه ، ص ۱۵.

۲۰ . میر احمدی ، مریم (۱۳۶۹)، دین و دولت در عصر صفوی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ص ۶۷.

۲۱ . سمیع آذر، علیرضا، (۱۳۷۶) تاریخ تحولات مدارس در ایران ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات سازمان نوسازی مدارس و تجهیز مدارس کشور، ص ۱۱۱.

۲۲. Collins, Randall. (۲۰۰۰) *The sociology of Philosophies: A Global Theory of Intellectual Change*. The Belknap Press. Harvard University Press .Cambridge , Massachusetts , and London, England. ص ۱۸